

مأموریت روبیو در بیت‌المقدس



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا به بیت‌المقدس سفر کرده است تا شماری از تحولات خاورمیانه از جمله حمله اسرائیل به نشست سران حماس در دوحه، آینده نوارغزه و نوع واکنش دولت نتانیاهو به برنامه شماری از کشورهای اروپایی برای به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطینی را با سران اسرائیل به بحث بگذارد. روبیو به محض ورود به بیت المقدس به اتفاق نتانیاهوومایک هاکبی سفیر آمریکا در اسرائیل از دیوار ندبه دیدار کرد و در جریان این دیدار نتانیاهو روابط واشنگتن-تال‌آویو را مثل سنگ‌های دیوار ندبه ماندگار و مستحکم دانست. این در حالی است که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا و مارکو روبیو هر دوه زبانی واحد «راضیاتی» خود را از حمله نظامی ارتش اسرائیل به دوحه اعلام کرده‌اند گرچه بلافاصله این اقدام را بر روابط کشورشان با «دولت عبری» بی‌تأثیر دانسته‌اند.

احتمالاً روبیو درصدد است تا نتانیاهو را به عدم تکرار حمله نظامی به قلمرو کشورهای متحد آمریکا در خاورمیانه متعهد سازد. مقام‌های آمریکایی پیش از این از جانب خود این وعده را به قطر داده‌اند اما نتانیاهو نه فقط علامتی از موافقت خود با این موضوع نشان نداده بلکه تهدیدش برای هدف قرار دادن هر کشور میزبان سران حماس را تکرار کرده است.

پس از حمله ناموفق اسرائیل به نشست سران حماس در دوحه و واکنش‌های شدید داخلی و بین‌المللی در برابر آن، به نظر نمی‌رسد که نتانیاهو قصد تکرار چنین عملیاتی را قلمرو کشورهای متحد آمریکا در خاورمیانه داشته باشد، اما ظاهراً می‌کوشد تا این موضوع را ابزار چانه‌زنی سیاسی با روبیو و برخی کشورهای عرب در منطقه قرار دهد. ارتش اسرائیل هم اکنون مشغول تخریب بی‌وقفه برح‌های بلند شهر غزه است تا ساکنان آن را به کوچ از این شهر مجبور سازد. ارتش اسرائیل تخمین زده است که از زمان آغاز عملیات علیه شهر غزه، از جمعیت یک میلیون شهر بیش از سیصد هزار نفر آنجا راترک کرده و در باریکه‌ای که بخش اعظم آن به صورت تلی از خاک و زباله درآمده است، برای چندمین بار آواره شده‌اند. شاید تهدید نتانیاهو به تکرار عملیات دوحه، به قصد چانه‌زنی سیاسی بر سر شرایط پایان دادن به جنگ در نوارغزه ونحوه اداره آن پس از جنگ باشد.

دولت آمریکای گوید که طرحی برای پایان دادن به جنگ نوارغزه و آزادی تمام اسیران اسرائیلی، به دو طرف نبرد ارائه کرده است. به ادعای کاخ سفید دولت نتانیاهو این طرح را پذیرفته و اگر حماس آن را نپذیرد با عواقب سهمگینی روبه‌رو خواهد شد. در اسرائیل اما تاکنون هیچ مقامی از پذیرش طرح آمریکا سخنی به میان نیاورده است. علاوه بر این، گفته شده است که نشست سران حماس در دوحه به قصد تصمیم‌گیری نهایی درباره همین طرح بود که محل نشست، مورد حمله جنگنده‌های اسرائیلی قرار گرفت! مقام‌های آمریکایی تاکنون حرف‌های متناقض و مبهم بسیاری که در هیچ قالبی قابل جمع‌بندی نیستند، دربارهٔ چگونگی پایان جنگ و آینده نوارغزه مطرح کرده‌اند و آخرین اظهارنظر روبیو در این باره چیزی بیشتر از به میان کشیدن چند پرسش همیشگی نبوده است! در واقع از همه خرافاتی‌های پرتکرار مقام‌های آمریکایی دربارهٔ نوارغزه و به‌طور کلی مسئله فلسطین، در مورد راه حل نهایی ویا حتی موقت مورد نظر آنها برای موضوع فلسطین هیچ نتیجه‌ای نمی‌توان گرفت. واقعیت این است که به سختی می‌توان بین آنچه نتانیاهو در نوارغزه عملاً کنشال می‌کند و آنچه آمریکا در نظر دارد، تفاوت معناداری کشف کرد. از این رو، چه‌پسا چانه‌زنی سیاسی مفروض در ابتدای این یادداشت نه معطوف به نوارغزه بلکه مربوط به نوع واکنش اسرائیل به شناسایی رسمی کشور مستقل فلسطینی از سوی برخی کشورهای اروپایی و طرف چانه‌زنی نیز نه لزوماً روبیو بلکه کشورهای عرب متحد آمریکا در منطقه به صورت غیر مستقیم باشد!

رویداد

کاهش ۴۲ درصدی بارش‌ها در شش ماه اول سال

گروه خبر: میزان ورودی مخازن کل کشور از ابتدای سال آبی (ابتدای مهرماه) تا ۲۲ شهریورماه معادل ۲۴/۴۸ میلیارد مترمکعب بوده که در قیاس با سال گذشته که عددی معادل ۴۲/۰۶ میلیارد مترمکعب بوده ۴۲ درصد کاهش داشته است. همچنین میزان کل خروجی سدهای کشور نیز نسبت به سال قبل با ۲۳ درصد کاهش مواجه بوده است. حجم آب موجود مخازن اکنون ۲۵/۴۸ میلیارد مترمکعب ثبت شده که این عدد نسبت به سال قبل که عددی معادل ۲۵/۴۸

ادامه سر مقاله

به‌علاوه از آنجا که آقای وزیر هل شفافیت هستند و آن را بنیاز ضروری برای بهبود مدیریت شرکت‌های دانند؛ لذا انتظار می‌رود که در این مورد شفاف‌سازی کنند که سیاست ایشان در مواجهه با خرده‌فرمایش‌های نمایندگان در توصیه‌های ایجابی و سلبی مدیریت شرکت‌های تحت امر چگونه است؟ البته، شاید هوایمبایی آسمان دیگر چنان ارزشی را نداشته باشد که دیگران دنبال توصیه‌ی کسی برای انتصاب در آنجا باشند، ولی هنوز شرکت‌های زیادی هستند که سودآورند و می‌توانند حتی

در هفته جاری ۱۴۲ کشور عضو سازمان ملل به طرحی برای تشکیل کشور مستقل فلسطینی در محدودهٔ سرزمین‌های اشغالی سال ۱۹۶۷ رأی مثبت دادند؛ کشوری که طبق طرح باید غیرنظامی باشد و گروه حماس هم در آیندهٔ آن هیچ نقشی ایفا نکند.

آمریکا و اسرائیل به همراه هشت عضو دیگر سازمان ملل به این طرح رأی منفی و ۱۲ کشور هم رأی متنع دادند. از آنجا که این قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، بنابراین اجرای آن الزام‌آور نیست و به نظر نمی‌رسد اسرائیل هم خیلی نگران آن باشد. آنچه اسرائیل را واقعاً یا به‌ظاهر خشمگین کرده است، برنامهٔ چند کشور غربی به‌خصوص اروپایی از جمله فرانسه، بریتانیا و بلژیک برای به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین در روزهای آینده است. اسرائیل این حرکت را «گامی یک‌جانبه» می‌داند و تهدید کرده است که در مقابل آن، گام‌های یکجانبه‌ای در مورد کرانهٔ باختری به اجرا خواهد گذاشت! روبیو و همکاران او در هیئت حاکمهٔ آمریکا نیز هشدار مشابهی به متحدان اروپایی خود داده‌اند.

قرائن نشان می‌دهد که واکنش دولت نتانیاهو به شناسایی رسمی دولت مستقل فلسطینی، انضمام بخشی از خاک کرانهٔ باختری به قلمرو خود خواهد بود. در واقع الان بحث بر سر اصل این انضمام و ادغام نیست بلکه بر سر وسعت آن است!

این در حالی است که امارات متحدهٔ عربی به‌طور علنی تهدید کرده است که اگر اسرائیل اقدام به انضمام کرانهٔ باختری به قلمرو خود کند، ادامهٔ روند «پیمان ابراهیم» و «ادغام اسرائیل در منطقه» یا خطر روبه‌رو خواهد شد. امارات به‌شرط خودداری اسرائیل از الحاق بخشی از کرانهٔ باختری در دور نخست ریاست جمهوری ترامپ روابطش را با دولت عبری عادی کرد. اکنون امارات با یادآوری شرط خود، بر آن تأکید کرده است.

نتانیاهو اما در واکنش به تصمیم چند کشور غربی برای شناسایی کشور فلسطینی منتظر عملی شدن تصمیم آنها نمانده و با تأیید پروژهٔ شهرک‌سازی موسوم به E۱ که خود را برای منفی کردن تشکیل کشور فلسطینی آغاز کرده است، طرح‌مذکور که شهرک‌های یهودی‌نشین مجاور بیت لحم را به شهرک‌های یهودی‌نشین حاشیهٔ بیت‌المقدس شرقی متصل می‌کند، عملاً یکپارچگی سرزمینی کرانهٔ باختری را از بین می‌برد و بخش شمال و جنوب آن را از یکدیگر جدا می‌سازد. با ساخت و تکمیل این پروژهٔ اصلاً جایی برای تشکیل یک کشور یکپارچۀ فلسطینی باقی نمی‌ماند. نتانیاهو اما بیش از این را در نظر دارد. او خواستار الحاق شهرک‌های بزرگ یهودی‌نشین در غرب کرانهٔ باختری و درهٔ اردن در شرق این منطقه به اسرائیل است؛ چیزی در حدود ۳۰ درصد خاک کرانهٔ باختری که طبق طرح «معاملهٔ قرن ترامپ» قرار بود در «پیمان صلح نهایی» به قلمرو اسرائیل ملحق شود. راستگرایان افراطی در دولت نتانیاهو به این اندازه هم قانع نیستند. بزالت اسموئیلچ رهبر حزب صهیونیست مذهبی و وزیر دارایی اسرائیل طرحی را منتشر کرده است که طبق آن ۸۲ درصد کرانهٔ باختری به اسرائیل منضم می‌شود! اکثریت جمعیت فلسطینی در ۱۲ درصد باقیمانده، در مجمع الجزایری پراکنده و جدا از هم به محاصرهٔ کامل اسرائیل در می‌آیند!

در واقع هدف اصلی از سفر روبیو به بیت‌المقدس مذاکره دربارهٔ وسعت الحاق و مهار واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در برابر این تصمیم است. روبیو و دیگر سران آمریکا تاکنون هیچ علامتی از مخالفت با الحاق بخش‌هایی از کرانهٔ باختری به اسرائیل نشان نداده‌اند. از این رو مخالفت روبیو با برنامهٔ نتانیاهو تا اندازهٔ زیادی دور از انتظار است. چه‌بسا مأموریت او، اربزنی با مقام‌های اسرائیلی به منظور کشف راه‌های آرام کردن طرف‌های «پیمان ابراهیم» و یا منصرف کردن چند کشور اروپایی از شناسایی کشور فلسطینی باشد! روشن است که الحاق هر بخشی از کرانهٔ باختری باعث نگرانی شدید مصر و اردن و عربستان و امارات و دیگران متحدان آمریکا در منطقه و اروپا خواهد شد. از این رو، برای به حاشیه‌بردن این ماجرا نیاز به ماجراجویی تازه‌ای از سوی نتانیاهوست! هر نوع ماجراجویی احتمالی تازه، به‌نظر می‌رسد معطوف به جمهوری اسلامی باشد.

تیتریک

HEADLINE ONE

دیدار بزرگان در جماران

درباره مهدی کروبی و سید محمد خاتمی که پس از ۱۵ سال به مراسمی عمو می‌رفتند



مهرداد خدیر

معاون سردبیر

آیین تر حريم مرحوم حجت الاسلام محمدعلی جماعتی از اعضای پرکار و کمترشناخته‌شدهٔ دفتر اسام خمینی، فرصت دیدار سیدمحمد خاتمی با مهدی کروبی را این بار نه در خانه (همچون فرودین امسال) که بعد از ۱۵ سال در فضایی عمومی فراهم ساخت.
اولی اکنون رئیس شورای سیاسی مجمع روحانیون مبارز است و دومی از بدو تأسیس تا سال ۸۴ دبیرکل همین تشکل بوده است؛ تشکیلاتی که با انشعاب از جامعهٔ روحانیت مبارز و با محوریت نزدیکان امام خمینی و برخی از اعضای دفتر ایشان شکل گرفت و با متوافق نیز طبعاً دوستی و مرادوه داشتند. نقش او در دفتر امام را می‌توان شبیه آیت‌الله محمد توسلی دانست که البته بر خلاف مرحوم جماعتی شهرت داشت.
۲۰ ماه بعد از انتخابات پرماجری سال ۸۸، رئیس دوره‌های سوم و ششم مجلس شورای اسلامی و یکی از ۴ نامزد انتخابات به اتفاق دیگر نامزد معترض-آخرین نخست‌وزیر ایران- در خانه محصور شدند و حصر میر حسین موسوی همچنان ادامه دارد.
داستان کروبی و خاتمی اما بسیار قدیمی‌تر است و وجه بارز آن در انتخابات سال ۷۶ جلوه کرد که مجمع روحانیون مبارز به دبیرکلی مهدی کروبی، بعد از امتناع میر حسین موسوی از پذیرش کاندیداتوری از سیدمحمد خاتمی عضو ارشد خود حمایت کرد در حالی که خود تصریح کرده بود مستقلاً وارد عرصهٔ انتخابات شده است.
آن انتخابات تاریخی اگرچه میدان رقابت خاتمی با ناطق نوری بود اما در لایهٔ زیرین دو تشکل روحانی-جامعه روحانیت و مجمع روحانیون- با هادایت مهدوی کنی و کروبی باهم رقابت می‌کردند تا جایی که یک بار که مرحوم مهدوی به خاتمی طعنه زد کروبی به او هشدار داد مراقب باشد و تصور نکند خاتمی تنه‌است.

❖ ریاست دو قوه

۳۰ ماه بعد از پیروزی خاتمی در آن انتخابات مهدی کروبی به مجلس ششم رفت و پس از ۸ سال دوباره رئیس مجلس شد و از ۷۹ تا ۸۳ یک عضو ارشد مجمع رئیس جمهور بود و دیگری رئیس مجلس.
کروبی در ریاست‌جمهوری خاتمی نقش داشت و خاتمی هم دوستان خود در جبههٔ مشارکت را از رقابت با رفیق دیرین در کسب ریاست مجلس بر حذر داشت تا او رئیس مجلس شود.
انتظار کروبی اما فراتر بود. این که در انتخابات سال ۸۴ هم از نامزدی او برای ریاست‌جمهوری حمایت کند. کاری که خاتمی به چند دلیل انجام نداد:



شرط بازگشت به لیست خاکستری

گزارش مرکز اطلاعات مالی وزارت اقتصاد درباره ضرورت پیوستن به CFT

گروه خبر: دبیر خانه‌شورای عالی‌پیشگویی ومقابله با جرایم پولشویی وتأمین مالی تروریسم و مرکز اطلاعات مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی در گزارشی که دیروز منتشر کرد، به اهمیت تصویب کنوانسیون CFT با نگاه به منافع ومصالح ملی ایران پرداخت. این کنوانسیون همچنان در مجمع تشخیص مصلحت نظام و سرنوشت آن نامشخص است، چراکه فشارهای داخلی زیادی برای عدم تصویب و عضویت در آن وجود دارد؛ فشارهایی که در خصوص موضوع مشابه یعنی کنوانسیون پالرمو هم وجود داشت. CFT کنوانسیونیی مصوب سال ۱۹۹۹ در سازمان ملل، با موضوع مقابله با تأمین مالی تروریسم است. ایران در حال حاضر کنار کره شمالی ومیانمار یکی از سه کشور لیست سیاه FATF است. در صورتی که کنوانسیون مذکور به تصویب برسد و اجرایی شود، امکان دارد که ایران به فهرست خاکستری بازگردد.

❖ نگاه به CFT از دریچه مصالح کشور

در بخش ابتدایی این گزارش آمده است: «هدف اصلی کنوانسیون CFT، مبارزه با تأمین مالی تروریسم است و کشورهایی که عضو این کنوانسیون می‌شوند، تعهد می‌دهند راه‌هایی را که تروریست‌ها از آنها پول بدست می‌آورند، شناسایی کنند. به عبارت دیگر CFT صرفاً بر تأمین مالی اقدام تروریستی تمرکز دارد نه شخص تروریست و نه حتی اقدام تروریستی و در هر بخش از کنوانسیون که به تعریف اقدام تروریستی اشاره می‌شود به قوانین داخلی کشورها را جاع شده است و اصرار برخی اشخاص به ورود مواد کنوانسیون به تعریف تروریست و یا اشخاص تروریست و گروه‌های مقاومت، مورد تأیید نیست. ایران به ۷ کنوانسیون از ۹ کنوانسیون «پیوست» با CFT با محتوای جرم‌نگاری و تعریف اقدامات تروریستی ملحق و عملاً این کنوانسیون‌ها، قانون داخلی کشور شده‌اند و از طرفی جرم‌نگاری دو کنوانسیون دیگر پیوست CFT در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم انجام شده و عدم پذیرش کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در شرایط مورد اشاره، محل پرسش کشورهای دوست و همسوا با ایران نیز هست.» ایران، چاد، سومالی، اریتره، بوروندی و تنزوالو کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم را نپذیرفتند. اما کره‌شمالی، چین، روسیه، کویت، ونزوئلا و ویتنام، افغانستان، پاکستان، و حتی «کشورهای میزبان گروه‌های مقاومت نظیر لبنان، عراق، یمن و سوریه کنوانسیون CFT را به‌عنوان سند سازمان ملل متحد پذیرفته و به آن ملحق شده‌اند.»

❖ انگشت‌نما شدن ایران در صحنه بین‌المللی

نکته جالب توجه این است که گزارش مرکز اطلاعات مالی، به صراحت از انگشت‌نما شدن ایران در این حوزه صحبت می‌کند: «قیاس این سند با برجام که یک توافق‌نامه سیاسی بین چند کشور محدود است و یا ارتباط دادن آن به تحریم‌های سازمان ملل مرتبط با مکانیسم ماشه، بحثی انحرافی است که کشور

اول این که رئیس جمهور و برگزارکنندهٔ انتخابات بود و نمی‌خواست موضع صریح و جانبدارانه به سود یک نامزد اتخاذ کند. دوم این که جبههٔ مشارکت و مجاهدین انقلاب حاضر به حمایت نشده و دکتر مصطفی معین را به میدان فرستاده بودند. ریشهٔ اختلاف آنان احتمالاً بر سر موضوع کروبی در آغاز و پایان مجلس ششم بود. در آغاز در موضوع قانون مطبوعات و تن دادن به آنچه حکم حکومتی توصیف شد و در پایان نیپوستن به تحصن نمایندگان متحصن و شرکت در انتخابات مجلس هفتم در حالی که پیش‌تر به اتفاق رئیس جمهور هشدار داده بودند به چنان انتخاباتی تن نخواهند داد. قصه محدود به مشارکت و مجاهدین انقلاب نبود. درون خود مجمع روحانیون بر سر تصمیم کروبی برای کاندیداتوری قبل از جلب نظر اعضا اختلاف افتاد تا جایی که برخی چون مجید انصاری خواستار حمایت از هاشمی‌فستجانی شدند. انتقاد اصلی کروبی اما متوجه عبدالواحد موسوی‌لاری وزیر کشور بود که ترجیح داد از رئیس خود در دولت تبعیت کند نه در تشکل. شیخ معتقد بود نه احمدی‌نژاد که او باید به اتفاق هاشمی‌فستجانی به مر حلهٔ دوم انتخابات سوم تیر ۸۴ راه می‌یافت و شاکی بود که پس از استراحت کوتاه شبانه‌ناگاه نام محمود احمدی‌نژاد را به عنوان نفر دوم دیده است. به نشان اعتراض یا فراتر رفتن از تشکلی صرفاً روحانی از مجمع روحانیون جدا شد و حزب اعتماد ملی را پایه گذاشت و روزنامهٔ اعتماد ملی را منتشر کرد و پس از چندی با جذب محمد قوچانی بر فضای رسانه‌ای تأثیر گذاشت. این در حالی بود که مدیر روزنامهٔ اعتماد هم مرد شمارهٔ ۲ اعتماد ملی بود. نشر روزنامه البته برای کروبی کافی نبود چرا که در سال ۸۴ وعده داده بود یک کانال تلویزیونی ماهواره‌ای راه بیندازد و مأموریت آن را هم به بهروز افخمی سپرده بود. هم او که در روزنامهٔ شرق با شیخ گفت‌وگو کرده و وعدهٔ یارانهٔ مستقیم ۵۰ هزار تومانی در آن مصاحبه سرصود کرده بود و کروبی انتظار داشت دوستان او را قانع کند که از وعده‌های احمدی‌نژاد نقدتر و ملموس‌تر است. منتها تحلیل درونی اصلاح‌طلبان این بود که رقابت درون سازمانی است و بیرون اردوی خود نیز رقیب اصلی را قالیباف و نه احمدی‌نژاد می‌دانستند تا وعدهٔ ۵۰ هزار تومان به هر ایرانی بالای ۱۸ سال را قابل اجرا بدانند. سهل است، برخی آن را دون شأن می‌پنداشتند و اگر تا قبل از آن بر سر حمایت از کروبی تردید داشتند بعد از طرح این موضوع مصمم‌تر شدند تا دنبال ائتلاف نباشند. صداوسیما البته در مقابل راه اندازی کانال ماهواره‌ای موضع گرفت چرا که خود، امتولی انحصاری عرصه دیداری و شنیداری می‌داندند و حالا هم ساترا را برای حفظ همین انحصار به‌راه انداخته‌اند.

❖ تفرق اصلاح‌طلبان

در سال ۸۴ اصلاح‌طلبان با ۴ نامزد و متفرق به صحنه آمده بودند: کارگزاران و توسعه‌گراها با هاشمی‌فستجانی، اصلاح‌طلبان سنتنی با مهدی کروبی و

گزارش دو

❖ چرا حل پرونده ایران در FATF مهم است؟

پس از تشریح ضرورت‌های پیوستن ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم، بخش دوم گزارش به این مسئله‌به‌پردازد که «اهمیت تصویب و عضویت ایران در کنوانسیون سی اف تی به یکی از بندهای برنامه اقدام مرتبط با تعلیق اقدامات تقابلی و خروج از لیست سیاه FATF با نگاه به مصالح کشور» چیست. بخشی که با یک مقدمه مهم آغاز می‌شود: «موضوع عادی سازی پرونده کشور